یادداشت

کریدور ترامپ؛ از کاغذ تا اجرا

ولی کالجی، عضو شورای علمی مؤسسه مطالعات ایران و اوراسیا: با توافق‌نامه صلحی که بین الهام علی‌اف و نیکول پاشینیان، رهبران جمهوری آذربایجان و ارمنستان در حضور دونالد ترامپ در کاخ سفید در هشتم آگوست ۲۰۲۵ میلادی به امضا رسید، دسترسی زمینی و مستقیم جمهوری آذربایجان به منطقه نخجوان با عبور از خاک ارمنستان، نه تحت عنوان «کریدور زنگزور» مورد نظر باکو و نه تحت عنوان «طرح چهارراه صلح» مد نظر ایروان، بلکه با نام «مسیر ترامپ برای صلح و رفاه جهانی» یا به‌طور خلاصه «پل ترامپ» شکل گرفت. تحولی مهم که در راستای نهادینه‌شدن عنوان «رئیس‌جمهور صلح» (President of Peace) و هموارکردن مسیر دستیابی دونالد ترامپ به جایزه «صلح نوبل» در سال ۲۰۲۵ میلادی صورت گرفته است. در واقع، پس از چالش‌ها و ناکامی‌های ترامپ در حل‌وفصل جنگ روسیه و اوکراین، جنگ اسرائیل در غزه و پرونده هسته‌ای ایران، رئیس‌جمهور آمریکا امیدوار است با موفقیت در انعقاد موافقت‌نامه صلح بین رواندا و کنگو، آتش‌بس بین هند و پاکستان، آتش‌بس بین تایلند و کامبوج و نیز موافقت‌نامه صلح بین ارمنستان و جمهوری آذربایجان، بتواند کارنامه و سوابق خود را در حل‌وفصل مناقشات بین‌المللی، پربارتر کند. از سویی دیگر، اجراشدن توافق‌نامه صلح بین ایروان و باکو که نقطه کلیدی و مهم آن، دسترسی زمینی و مستقیم جمهوری آذربایجان به منطقه نخجوان با عبور از خاک ارمنستان است، در واقع احیای مسیرهای زمینی و ریلی- البته در سطح و ابعادی به مراتب بزرگ‌تر و مدرن‌تر- از مسیری است که در دوره اتحاد جماهیر شوروی وجود داشت و به طور مشخص مسیر ریلی آن (جلفا- نخجوان- ارمنستان- باکو- مسکو) برای ۷۰ سال، مسیر اصلی ترانزیت ریلی ایران با شوروی محسوب می‌شد. وقوع جنگ اول قره‌باغ (۱۹۸۸- ۱۹۹۴)، بین ارمنستان و جمهوری آذربایجان، این ارتباط جاده‌ای و ریلی را به مدت ۳۵ سال قطع کرد و مسیر عبوری ایران برای تردد شهروندان و ترانزیت از پایانه مرزی بیله‌سوار در شمال اردبیل با عبور از آذربایجان شرقی به نخجوان جایگزین این مسیر ارتباطی شد. با توافق‌نامه صلحی که بین الهام علی‌اف و نیکول پاشینیان، رهبران جمهوری آذربایجان و ارمنستان در حضور دونالد ترامپ در کاخ سفید در هشتم آگوست ۲۰۲۵ میلادی/ ۱۷ مرداد ۱۴۰۴ به امضا رسید، مقرر شد که دولت ارمنستان این مسیر ارتباطی را به شرکت‌های آمریکایی واگذار کند و شرکت‌های آمریکایی حق ساخت و بهره‌برداری از آن و نیز ساخت خط راه‌آهن، خطوط نفت و گاز، فیبر نوری و انتقال برق را در طول این مسیر ۴۳ کیلومتری را برعهده خواهند داشت. ضمن اینکه این مسیر همچنان تحت حاکمیت قوانین ارمنستان خواهد بود. در این بین، فرایند فنی و اجرائی این توافق یعنی دسترسی زمینی جمهوری آذربایجان به جمهوری خودمختار نخجوان از طریق استان سیونیک ارمنستان بسیار مهم است. این مسیر کوتاه تقریبا ۴۳ کیلومتری قابل مقایسه با عبور سایر مسیرها و کریدورهای ترانزیتی در منطقه مانند کریدور شمال- جنوب، کریدور خلیج فارس- دریای سیاه و طرح یک کمربند- یک راه چین نیست، چراکه قرار است از مسیری ساخته و بهره‌برداری شود که از دیدگاه بسیاری از ارامنه «دالان ترک» است و از دیدگاه بسیاری از افراد در جمهوری آذربایجان، منطقه نخجوان و نیز ترکیه، عبور از «خاک دشمن» است. به‌واسطه همین نگرانی‌های امنیتی بود که در بند نهم موافقت‌نامه آتش‌بس قره‌باغ در سال ۲۰۲۰ میلادی اشاره شد که «کنترل حمل‌ونقل توسط نیروهای سرویس مرزی FSB روسیه خواهد بود» که البته با توافق اخیر و واگذاری این موضوع به شرکت‌های آمریکایی، حضور امنیتی و کنترلی روس‌ها منتفی شده است. ضمن اینکه حدود دو هفته قبل از توافق اخیر در آمریکا، الهام علی‌اف، رئیس‌جمهور آذربایجان اعلام کرد که شهروندان آذربایجانی در «کریدور زنگزور» نباید چهره مرزبانان ارمنی را ببینند. از سویی دیگر، ارمنستان نیز همواره با کنترل امنیتی و نظارتی این مسیر از سوی آذری‌ها مخالف بود. بنابراین، با توجه به نگرانی که در رابطه با تأمین امنیت این مسیر وجود دارد، احتمالا سازوکار ویژه و خاصی برای این مسیر ۴۳ کیلومتری پیش‌بینی و اجرا خواهد شد. در واقع، به‌واسطه ۳۵ سال تنش، اختلاف و جنگ بین ارمنستان و جمهوری آذربایجان، امنیت تردد در این مسیر به هیچ عنوان قابل مقایسه با امنیت و آرامش مسیر ۲۵ ساله تردد شهروندان و ترانزیت بین جمهوری آذربایجان و منطقه نخجوان با عبور از مسیر ایران (از پایانه مرزی بیله‌سوار در شمال اردبیل با عبور از آذربایجان شرقی به نخجوان) نیست. ضمن اینکه این مسیر ۴۳ کیلومتری تنها یک مسیر ترانزیتی محدود و منحصر به تردد شهروندان و ترانزیت بین جمهوری آذربایجان و منطقه نخجوان نیست و به عنوان بخشی از «کریدور میانی» بین آسیای مرکزی، قفقاز، ترکیه و اروپا خواهد بود و به همین دلیل تأمین امنیت آن از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است. موضوع بسیار مهم دیگر، انتقال نیروها و تجهیزات نظامی بین جمهوری آذربایجان، منطقه نخجوان و ترکیه از این مسیر ۴۳ کیلومتری خواهد بود که حساسیت‌ها را مضاعف خواهد کرد. ازاین‌رو این احتمال وجود دارد که از نظر فنی و مهندسی، با هدف جلوگیری از تداخل یا تقابل شهروندان ارمنی و آذری، این مسیر ۴۳ کیلومتری کاملا به‌صورت دو طبقه و روگذر ساخته شود یا اینکه در تقاطع با جاده‌های اصلی، فرعی و محلی در استان سیونیک ارمنستان به‌صورت روگذر طراحی و اجرا شود و در طول این مسیر ۴۳ کیلومتری، بزرگراه مورد نظر با دیواره‌های بلند بتنی از دو طرف محصور شود. همچنین با منتفی‌شدن کنترل حمل‌ونقل توسط نیروهای سرویس مرزی FSB روسیه (طبق بند نهم موافقت‌نامه آتش‌بس قره‌باغ در سال ۲۰۲۰ میلادی) و در راستای برون‌سپاری کنترل امنیتی، گمرگی و مرزی این مسیر، این احتمال وجود دارد که شرکت‌های خصوصی امنیتی آمریکایی مانند آکادمی (بلک‌واتر سابق)، دین‌کورپ، جی‌فور اس و کَنستیلیس، مسئولیت امنیت عبور و تردد شهروندان و ترانزیت بین جمهوری آذربایجان و نخجوان و نیز کنترل گذرنامه‌های بیومتریک، اظهارنامه آنلاین، اسکن محموله‌ها و دریافت حق ترانزیت را طبق قوانین و مقررات ارمنستان در دو سوی مسیرهای ورودی و خروجی بر عهده بگیرند.

ادامه در صفحه ۱۰

آیا تحریم علت اصلی بحران آب در ایران است؟

ریخت‌وپاش آب!

نسیم مسیبی: به تازگی عباس عراقچی؛ وزیر امور خارجه ایران، تلویحی در یک گفت‌وگو مدعی شده که علت بحران آب کشور به دلیل تحریم‌هاست. این ادعا در حالی مطرح می‌شود که بر اساس آمار وزارت نیرو، چیزی نزدیک به ۸۵ تا ۹۰ درصد منابع آب کشور صرف کشاورزی سنتی و غیراقتصادی می‌شود. بر اساس گزارش‌های رسمی نزدیک به ۶۰ درصد آب مصرفی در بخش کشاورزی هنگام آبیاری و در مزرعه هدر می‌رود و پس از مزرعه نیز حدود یک‌سوم محصولات کشاورزی به دلیل نبود صنایع تبدیلی و تکمیلی تبدیل به ضایعات می‌شوند و بخش بزرگی از منابع آب کشور نیز در این بخش هدر می‌رود.

هدررفت آب با کشاورزی غیراقتصادی

چیزی نزدیک به ۸۵ تا ۹۰ درصد منابع آب ایران صرف کشاورزی غیراقتصادی می‌شود. در ایران سالانه حدود ۷۰ میلیارد مترمکعب آب در بخش کشاورزی مصرف می‌شود اما در ازای آن فقط حدود ۲۰۰ میلیون تن محصول تولید می‌شود. همچنین گزارش‌های آماری حاکی از آن است که رشد اقتصادی کشور در بخش کشاورزی، سال‌هاست که نرخ رشد ضعیف و متزلزلی است. بخش کشاورزی در فاصله سه سال ۱۴۰۰ تا ۱۴۰۱ رشد منفی را به ثبت رسانده است. براساس گزارش مرکز آمار ایران رشد ارزش‌افزوده کشاورزی در سال ۱۴۰۰ منفی ۱۰.۸ درصد بوده است. در سال‌های ۱۴۰۱ و ۱۴۰۲ نیز رشد این گروه به ترتیب؛ منفی ۱.۸ درصد و منفی ۲.۴ درصد برآورد شده است. در سال ۱۴۰۳ رشد بخش کشاورزی به‌طور استثنا، مثبت ۳.۱ درصد شد؛ اما دوباره آمارهای ابتدای امسال حاکی از رشد منفی بخش کشاورزی است. طبق برآورد مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، رشد اقتصادی بدون نفت کشور در خرداد ۱۴۰۴ منفی شده و بخش کشاورزی با رشد منفی ۳.۵درصدی نسبت به خرداد سال گذشته، مانند دو ماه اول سال، عملکرد ضعیفی را ثبت کرده است. گذشته از این، سازمان خواروبار و کشاورزی ملل متحد (FAO) اعلام کرده است که اگر میانگین بارندگی در کشوری کمتر از ۱۵۰ میلی‌متر باشد، کشاورزی در آن کشور توجیه اقتصادی نخواهد داشت. این اتفاق در حالی رخ می‌دهد که براساس گزارش گروه نظارت و توسعه حکمرانی آب، راندمان آبیاری در مزارع کشاورزی در برخی از مناطق کشور ۴۵ درصد اعلام می‌شود. در چنین شرایطی، حدود ۵۰ تا ۶۰ درصد آب کشاورزی در مزرعه هدر می‌رود. ماجرا به همین‌جا ختم نمی‌شود و به دلیل کافی‌نبودن صنایع تبدیلی و تکمیلی در کشور، بیشتر از یک‌سوم محصولات کشاورزی تولیدشده، تبدیل به ضایعات می‌شود و بخش بزرگی از آب مصرفی از طریق ضایعات کشاورزی هدر می‌رود. مطابق آمار وزارت کشاورزی، به‌طور متوسط در ایران ۳۵ درصد از محصولات کشاورزی در بخش‌های مختلف زنجیره تأمین، ضایع می‌شود که این مقدار غذای ۱۵ تا ۲۰ میلیون نفر از جمعیت کشور را تشکیل می‌دهد. از سوی دیگر براساس برخی منابع رسمی کشور ۸۰ تا ۸۸ درصد مصرف آب کشور سهم بخش کشاورزی است و با فرض اینکه ۸۰ درصد مصرف آب در کشور مربوط به بخش کشاورزی باشد و با توجه به اینکه حدود ۳۵ درصد محصولات در مراحل مختلف به ضایعات تبدیل می‌شود، بنابراین حدود ۲۸ درصد هدررفت آب مجازی در کشور از طریق ضایعات رخ می‌دهد. این در حالی است که سهم آب شرب از کل آب مصرفی کشور حدود هفت درصد است.

گسترش بیابان در ایران

مصرف بی‌رویه آب در بخش کشاورزی، آن هم کشاورزی سنتی و غیراقتصادی در حالی تداوم دارد که طبق گزارش سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری ایران در اواسط سال ۲۰۱۳ بیش از دوسوم خاک ایران ـ در حدود ۱۱۸ میلیون هکتار ـ به‌سرعت در حال تبدیل‌شدن به بیابان است. همچنین براساس گزارشی که عباسعلی نوبخت؛ رئیس سازمان منابع طبیعی و آبخیزداری کشور در ۱۹ اردیبهشت سال ۱۴۰۲ ارائه داده است: «کانون‌های بحرانی بیابان در کمتر از دو دهه از شش میلیون هکتار به بیش از ۱۴ میلیون هکتار رسیده و استان‌های بیابانی کشور نیز از ۱۲ استان به ۱۹ تا ۲۰ استان افزایش یافته و این رخداد یک هشدار جدی برای سرزمین و محیط زیست ایران است». این برداشت بی‌رویه آب از منابع زیرزمینی سبب شده است که فرونشست هشداردهنده خاک در کشور رخ دهد. براساس گزارش سازمان نقشه‌برداری کشور، میانگین نرخ فرونشست زمین در جهان، سالانه سه سانتی‌متر است اما در ایران متوسط نرخ فرونشست زمین حدود سه برابر و ۱۵ سانتی‌متر در سال است. نرخ فرونشست زمین در نقاطی از ایران مانند کرمان سالانه به حدود نیم‌متر می‌رسد. براساس گزارش مرکز تحقیقات راه و شهرسازی، در حال حاضر تمامی استان‌های کشور با بحران فرونشست زمین روبه‌رو هستند. بیشترین وسعت فرونشست در استان کرمان گزارش شده و استان‌های البرز، تهران، اصفهان، خراسان‌رضوی، فارس و حتی استان‌های پربارشی مانند گلستان و مازندران هم از این پدیده در امان نبوده‌اند، فقط استان گیلان شدت کمتری از فرونشست را تجربه کرده است. براساس گزارش سازمان نقشه‌برداری کشور، متوسط نرخ فرونشست ایران پنج برابر میانگین جهانی است. این گزارش توضیح می‌دهد که اکنون نرخ متوسط جهانی فرونشست زمین سه سانتی‌متر در سال است و میانگین آن در ایران به ۱۵ سانتی‌متر می‌رسد. البته در برخی نقاط کشور مانند پهنه جنوب‌غربی بهرمان در رفسنجان، نرخ فرونشست زمین به ۴۲ سانتی‌متر در سال می‌رسد یا در جنوب البرز در هشتگرد نزدیک به ۳۷ سانتی‌متر در سال فرونشست رخ می‌دهد. براساس گزارش مرکز تحقیقات راه و شهرسازی، در حال حاضر بیش از ۴۰۰ شهر ایران از جمله کلان‌شهرهایی مانند تهران، اصفهان، مشهد و شیراز در پهنه‌های پرخطر فرونشست زمین قرار دارند. علاوه بر این، خطوط جاده‌ای و ریلی، خطوط انتقال نفت و گاز، شریان‌های حیاتی برق و همچنین آثار تاریخی و فرهنگی کشور هم در معرض آسیب جدی هستند.

تحریم، علت بحران آب نیست

علی بیت‌اللهی، عضو هیئت علمی مرکز تحقیقات راه مسکن و شهرسازی در واکنش به صحبت عراقچی مبنی بر تأثیر تحریم‌ها بر بحران آب ایران به «شرق» می‌گوید: ما معتقدیم که بحران آب اساسا به این موضوع (تحریم) مرتبط نیست. نمودار افت منابع آب کسری آبخوان‌ها و کاهش منابع آب سطحی و زیرزمینی نشان از یک قدمت ۵۰ ساله دارد و این روند عمدتا به دلیل کاستی‌های عدیده ما در مدیریت منابع آب و مدیریت مصرف منابع آب بوده است. او می‌گوید شاید در سال‌های اخیر از لحاظ تکنولوژیکی، تحریم باعث اعمال برخی محدودیت‌ها و تنگناهای اقتصادی شده باشد اما سهم بسیار ناچیزی در کمبود منابع آب دارد. بیت‌اللهی می‌گوید: سرنوشت دریاچه ارومیه یک آیینه تمام‌نما از نحوه اثر مدیریت ناکارآمد در بروز چالش و بحران آب است؛ سدسازی‌های بی‌رویه، بی‌توجهی به محیط زیست، توسعه باغبانی و زراعت محصولات آب‌بر بدون توجه به محدودیت‌های اقلیمی سرزمینی، منجر به این بحران شده است و نمی‌توان این موارد را به تحریم مرتبط دانست. او در ادامه با بیان اینکه شاید منظور عراقچی از اثر تحریم‌ها معطوف به توسعه اقتصادی و مسائل مربوط به آن باشد، ادامه داد: رونق اقتصادی موجب استفاده بهینه از تکنولوژی‌های نوین در کشاورزی و کاهش مصرف آب می‌شود ولی در کل تحریم‌ها اثر چندانی بر این موضوع نداشته‌اند و می‌توان گفت در ۴۰-۵۰ سال گذشته بی‌توجهی مدیریت و حکمرانی آب در زمینه مصرف آب در حوزه‌های کشاورزی شرب و صنعت و عدم جدیت مسئولان وزارت نیرو در صدور مجوزها به منظور کنترل سدسازی‌های بی‌رویه، نقش بسیار پررنگ‌تری نسبت به تحریم‌ها در مدیریت بحران آب ایفا کرده است. او تنها راهکار برون‌رفت از این بحران را توجه به مفهوم توسعه پایدار و شاخص‌های اجرائی آن می‌داند و می‌گوید: توسعه پایدار متأسفانه هیچ‌وقت در کشور ما جایی نداشته است. صنایعی که نیاز آبی فراوانی دارند عمدتا در فلات مرکزی مکان‌یابی شده‌اند. اگرچه سرزمین بسیار پهناور با پتانسیل‌های بسیار بالایی داریم اما عدم توزیع عادلانه مشاغل و مراکز معیشتی و مراکز اشتغالی منجر به تمرکز حدود بالای ۴۰ درصد جمعیت کشور، فقط در ۱۰ نقطه کلان‌شهری کشور شده و همین موضوع منجر به افزایش سیل مهاجرت‌ها از روستاها و شهرهای کوچک به سمت کلانشهرها شده است. در همین شهر تهران که ظرفیت اکولوژیکی محدودی دارد، توسعه بدون توجه به محیط زیست منجر به جمعیت‌پذیری بالای ۱۰ میلیونی شده و این افزایش جمعیت موجب تحمیل نیاز آبی، غذایی، کشاورزی و ... بر این محیط شده و از طرفی این محیط برای پاسخ به این نیازها ناچار است از پس‌انداز آبی خودش مصرف کند و در نهایت، به مرز ورشکستگی برسد. عضو هیئت‌علمی مرکز تحقیقات راه و مسکن و شهرسازی معتقد است؛ مدیریت و حکمرانی منابع آبی در کشور باید به گونه‌ای باشد که در زمینه توزیع امکانات و زیرساخت‌ها عاقلانه و متناسب با ظرفیت‌های زیست‌محیطی و اقلیمی هر ناحیه برنامه‌ریزی کند و برنامه‌ریزی کلان و جدی با درنظرگرفتن ظرفیت‌های زیستی و محدودیت‌های آبی و اقلیمی نقاط مختلف صورت پذیرد؛ در غیر این صورت چشم‌انداز وحشتناکی از منظر منابع آبی و محیط‌زیستی پیش‌روی ایران خواهد بود.

حذف صفر پول؛ ضرورت یا توهم توسعه؟

سعید جهاندیده
عضو اتاق بازرگانی ایران

در سال‌های اخیر، موضوع حذف صفر از پول ملی به یکی از بحث‌های پررنگ و پرتکرار در سیاست‌گذاری اقتصادی کشور تبدیل شده است. دولت به‌تازگی تصمیم گرفته این سیاست را اجرائی کند. موافقان، این طرح را اقدامی برای ساده‌سازی مبادلات مالی و ارتقای وجهه پول ملی می‌دانند، اما مخالفان هشدار می‌دهند که بدون اصلاحات ساختاری عمیق، حذف صفر صرفا تغییر ظاهری است و نمی‌تواند مشکلات اقتصادی را حل کند. موضوع حذف صفر پول، در غیاب اصلاحات بنیادین، معمولا تأثیر موقتی دارد یا حتی شکست می‌خورد. کشورهایی مانند ژاپن و کره جنوبی، با وجود کاهش ارزش پول ملی‌شان در برابر ارزهای خارجی، تاکنون هیچ‌گاه اقدام به حذف صفر نکرده‌اند. این کشورها با اجرای سیاست‌های پولی منضبط، تقویت بخش خصوصی و ایجاد فضای رقابتی سالم، توانسته‌اند ثبات اقتصادی و رشد پایدار را حفظ کنند. در مقابل، کشورهایی مانند زیمبابوه، آرژانتین و ونزوئلا، که بدون اصلاحات ساختاری و در شرایط بحران اقتصادی متعدد اقدام به حذف صفر کردند، نتوانستند از سقوط ارز جلوگیری کنند و تنها به بی‌اعتمادی بیشتر مردم درباره پول ملی انجامید.

اقتصاد کشور در مدت چندین دهه با تورم مزمن و افسارگسیخته دست‌وپنجه نرم کرده است. این تورم ناشی از سیاست‌های ناپایدار مالی، خلق پول بی‌پشتوانه، کسری مکرر بودجه و تحریم‌های اقتصادی شدید است که مانع جذب سرمایه‌گذاری خارجی و بهره‌مندی از فناوری‌های نوین شده است. این محدودیت‌ها نااطمینانی اقتصادی را افزایش داده و رشد بخش‌های مختلف اقتصادی را کند کرده است.

یکی از دلایل اصلی این وضعیت، ساختار دولتی و متمرکز اقتصاد کشور است. دولت به‌عنوان بازیگر اصلی اقتصادی در بخش‌های مختلف حضور گسترده دارد که این حضور پررنگ باعث تمرکز قدرت اقتصادی، ایجاد فرصت‌های رانتی، انحصار و ناکارآمدی در تخصیص منابع شده است. چنین شرایطی مانع توسعه رقابت سالم، نوآوری و رشد واقعی بخش خصوصی می‌شود.

در این شرایط، حذف صفر پول صرفا تغییرات ظاهری در اسکناس‌ها ایجاد می‌کند و قادر به حل مشکلات اساسی نیست. این اقدام، اگر بدون اصلاحات عمیق در ساختارهای اقتصادی، سیاست‌های مالی و پولی اجرا شود، تنها باعث ساده‌سازی حسابداری در مبادلات می‌شود و تأثیر واقعی در کنترل تورم و بهبود معیشت ندارد.

برای رسیدن به ثبات اقتصادی پایدار و کنترل تورم، اصلاحات ساختاری ضروری است. این اصلاحات شامل موارد زیر می‌شود:

خصوصی‌سازی واقعی و شفاف: پایان‌دادن به واگذاری‌های رانتی و انتقال مالکیت به بخش خصوصی مولد و کارآمد که توان رقابت و نوآوری دارد. این کار باعث افزایش بهره‌وری و رشد اقتصادی می‌شود.

استقلال بانک مرکزی و انضباط مالی دولت: جلوگیری از خلق پول بی‌پشتوانه برای پوشش کسری بودجه و ایجاد سیاست‌های پولی متناسب با شرایط واقعی اقتصاد کشور. استقلال بانک مرکزی کلید کنترل تورم و حفظ ارزش پول است.

آزادسازی اقتصادی و ایجاد فضای رقابتی: حذف موانع و مقررات زائد، کاهش حضور مستقیم دولت در بازارها، پایان‌دادن به قیمت‌گذاری دستوری و آزادسازی نرخ ارز برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی و تقویت بخش خصوصی.

شفاف‌سازی و مقابله با فساد: ایجاد نظام شفاف مالی و اقتصادی برای کاهش رانت و فساد، افزایش اعتماد سرمایه‌گذاران و مردم به سیستم اقتصادی.

تقویت زیرساخت‌های اقتصادی و فناوری: جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی و داخلی در بخش‌های فناورانه و تولیدی به منظور افزایش بهره‌وری و کاهش وابستگی به درآمدهای نفتی.

این گام‌ها، در کنار اصلاحات نهادی و حکمرانی اقتصادی، زیربنای لازم برای کنترل تورم و حفظ ارزش پول ملی را فراهم می‌کنند. حذف صفر پول بدون چنین اصلاحاتی، تنها راهکاری ظاهری است که نمی‌تواند بحران‌های عمیق اقتصادی را برطرف کند و ممکن است اعتماد عمومی را کاهش دهد.

در نهایت، پیش از هرگونه اقدام در زمینه تغییر اسکناس‌ها، باید به ریشه‌های اصلی مشکلات اقتصادی مانند تورم مزمن، کسری بودجه، وابستگی به درآمدهای نفتی و محدودیت‌های ناشی از تحریم‌ها پرداخته شود. در غیراین‌صورت، حذف صفر نه راهکار توسعه، بلکه اقدامی نمادین و کوتاه‌مدت خواهد بود.

گزارش

توقف اصلاح قیمت خودرو یا دستور رکود در صنعت؟

حکم تازه شعبه دوم بدوی سازمان تعزیرات حکومتی، الزام ایران‌خودرو به فروش با نرخ‌های قدیمی و توقف افزایش قیمت، هنوز از جوهر امضایش خشک نشده موجی از بحث‌های حقوقی و اقتصادی را راه انداخته است. حکمی که در ظاهر برای حمایت از مصرف‌کننده صادر شده، اما کارشناسان می‌گویند می‌تواند شمشیر دولبه‌ای باشد که هم به جیب خودروساز می‌زند، هم به سهم مصرف‌کننده واقعی.

روایت یک تصمیم

ایران‌خودرو باید برگردد به قیمت‌های قبل. یعنی فروش با نرخی که حتی بهای تمام‌شده تولید را پوشش نمی‌دهد. استدلال تعزیرات هم روشن است: «جرم گران‌فروشی». اما سؤال بزرگ اینجاست: در بازاری که مواد اولیه، دستمزد و انرژی هر ماه گران می‌شود، کجای فروش با قیمت تورم‌پذیر گران‌فروشی است؟

قانون چه می‌گوید؟

ماده ۱۰ قانون مدنی یک خط مشخص دارد: قراردادهای خصوصی معتبرند مگر اینکه خلاف قانون باشد. قیمت خودرو هم طبق مصوبه شورای رقابت و ستاد تنظیم بازار، قابل تعدیل با نرخ تورم نهاده‌هاست. وقتی چنین ضابطه‌ای رسمیت دارد، الزام به نرخ قدیمی نه‌تنها نفس قرارداد را می‌بُرد، که سرمایه‌گذار خصوصی را هم به فکر فرار از این میدان بی‌ثباتی می‌اندازد. اصل ۴۷ قانون اساسی مالکیت مشروع را محترم می‌شمارد. فروش اجباری زیر قیمت تمام‌شده یعنی نقض همین اصل. حتی ماده ۶ قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴، دولت را مأمور کرده به حفظ رقابت، نه تزریق زیان به رگ‌های تولید.

اقتصاد چه می‌گوید؟

کارشناسان یک اصطلاح دارند: «حاشیه سود منفی»؛ همان وضعی که شرکت با هر فروشی، در زیان بیشتر غرق می‌شود. این حکم می‌تواند شبیه دریچه‌ای باشد که نقدینگی خودروساز را مثل آب سد، بی‌صدا و پیوسته خالی کند. وقتی پول برای تسویه‌حساب با قطعه‌ساز نباشد، همین زنجیره تأمین که سال‌هاست در لبه تیغ راه می‌رود، فرو می‌ریزد. و تجربه تلخ، از بایگانی هم بیرون می‌آید: سال‌های ۹۷ تا ۱۴۰۰، فروش دستوری، زیان انباشته خودروسازان را چند برابر کرد و شکاف قیمت کارخانه و بازار، مثل چاه عمیقی شد که رانت‌خواران با طناب قرعه‌کشی، سطل پر از سودشان را بالا می‌کشیدند.

بازی دو سر باخت

در این بازی، مصرف‌کننده واقعی هم برنده نیست. وقتی کارخانه مجبور به فروش ارزان شود، عرضه کم می‌شود، صف‌ها برمی‌گردند و قیمت در بازار آزاد اوج می‌گیرد. این یعنی همان خودرو با همان کیفیت را گران‌تر و از دست واسطه می‌خری. از آن طرف، فشار روی بودجه عمومی یا سرمایه‌های بانکی برای جبران زیان، دیر یا زود تبدیل به تورم سرایت‌کننده در همه بازارها می‌شود.

واقع‌گرایی اقتصادی

تاریخ شفاهی اقتصاد، درس‌های خود را دارد. یک اصل در اقتصاد وجود دارد: بدون تأمین هزینه واقعی، هیچ ساختاری پایدار نمی‌ماند. واقعی‌سازی قیمت‌ها، حتی اگر تلخ باشد، شبیه همانی است که بیمار را از شوک مرگ نجات می‌دهد.

خصوصی‌سازی یا خصوصی‌سوزی؟

ایران‌خودرو بعد از خصوصی‌سازی نسبی، هرجا مجال پیدا کرده، در توسعه محصول و صادرات نیم‌خیز شده. اما هم‌صنعتی‌های وابسته به دولت هنوز درجا می‌زنند و زیان روی زیان می‌گذارند. وقتی دولت با یک حکم دستوری، سازوکار قیمتی را از ریشه می‌زند، انگیزه همین رشد نیم‌بند هم دود می‌شود. این حکمی است که اگر بماند، بازار خودرو را به گذشته‌ای نه‌چندان دور می‌برد: ثبت‌نام‌های صوری، قرعه‌کشی‌های میلیاردی، ورشکستگی قطعه‌سازان، بی‌انگیزگی سرمایه‌گذار و مصرف‌کننده ته‌صفی که فقط سهم واسطه‌ها را چاق‌تر می‌کند. پرسش اما هنوز روی میز است: آیا وقت آن نرسیده که به‌جای حکم‌های مقطعی، نسخه‌ای بر پایه واقعیت اقتصاد و حمایت پایدار از مصرف‌کننده نوشته شود؟

سازمان خصوصی سازی
IRANIAN PRIVATIZATION ORGANIZATION

«خلاصه آگهی عرضه عمومی»

نوبت دوم

سازمان خصوصی‌سازی در نظر دارد در اجرای مصوبه هیئت واگذاری و سایر قوانین و مقررات مربوطه، واحدهای ممتاز "صندوق سرمایه‌گذاری پالایشی یکم" و همچنین سهام شرکت‌های « فرهنگی ورزشی استقلال ایران» و « فرهنگی ورزشی پرسپولیس» به شرح جداول زیر را عرضه و واگذار نماید. ضمناً نسخ تکمیلی این آگهی، در پایگاه اینترنتی سازمان خصوصی‌سازی به نشانی www.ipo.ir (قسمت آگهی‌های عرضه اصل ۴۴) در دسترس می‌باشد.

نام	روش عرضه	تعداد واحدهای ممتاز قابل واگذاری*	ارزش پایه کل واحدهای ممتاز قابل واگذاری (ریال)	شرایط تسویه ثمن معامله	تاریخ برگزاری مزایده
صندوق سرمایه‌گذاری پالایشی یکم	مزایده	۱۰۰,۰۰۰	۶.۱۱۸.۶۵۵.۰۰۰.۰۰۰	کلاً نقد	۱۴۰۴/۰۶/۰۹

* میزان کل واحدهای ممتاز به تعداد ۱۰۰,۰۰۰ می باشد؛ که تماماً متعلق به شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده های نفتی ایران است.
واگذاری واحدهای ممتاز با رعایت «دستورالعمل اجرایی روش انتخاب مشتریان راهبردی (استراتژیک) و احراز و پایش اهلیت مدیریتی در واگذاری‌ها» انجام می‌شود.

ردیف	نام شرکت	روش عرضه	میزان سهام قابل عرضه		ارزش پایه کل(ریال)	شرایط تسویه ثمن معامله	تاریخ عرضه
			تعداد	درصد			
۱	فرهنگی ورزشی استقلال ایران	فرابورس	۳۳۴,۵۲۵,۶۵۰	۳/۱	۵۱۸,۸۴۹,۲۸۳,۱۵۰	کلاً نقد	مطابق اطلاعیه فرابورس
۲	فرهنگی‌ورزشی پرسپولیس		۴۸۳,۶۹۰,۶۹۰	۴/۶	۸۳۲,۹۱۵,۳۶۸,۱۸۰		

شناسه آگهی ۱۹۷۹۶۳۵ م الف ۱۷۱۸